

جامعه انسانی یا نژادی؟

حرج رحمان حرداق، ادیب و شاعر معروف مسیحی، کتاب
بزرگی درباره امام علی بن ابیطالب علیه السلام در جلد تألیف
کرده است که چلشوم آن، مقایسه است بین اصول و مبانی آن پیشوای
بزرگ و مواد اعلامیه حقوق بشر ...

مقاله کوتاه زیر ترجمه چکیده ای از یک بخش جلد سوم
این کتاب است که در آن گوشه‌ای از چگونگی شکل جامعه
انسانی امام (ع) و بلور اجمال نشان داده شده است...

سیدهادی خسروشاهی



جامعه انسانی

مادر این کتاب امام علی - ثابت گردید که جامعه مورد نظر علی بن ابیطالب، یک جامعه
قبیله‌ای نیست، زیرا جامعه قبیله‌ای از نظریه، یک اجتماع ششگانه و غاصبی است که فرزندان
خود را تحت فشار قرار میدهند و ترس یکدستی برد و با تعصب احیمانه، نه احساس انسانی بلند
پایه، رفتار میکنند و امتیازات طبقاتی بزرگان و مستغذان را بدون مراعات حقوق و کوششهای
همه افراد همین در نظر میگیرد. شوق در همه جوانمردان، از کینمائی قبیله‌ای، موجب اختراعات
متکی به گمان و اوهام می‌گردد و از انسان میخواهد که بر برادر خود تکبیر و خود فروشی نشان
نمیدورید. خود برتری خود دلیل او بر این کارها، گمراهی و نادانی و یا هوا پرستی است و
علاوه بر همه آنها، جامعه قبیله‌ای خواستار آشوب و بلوا است و آشوب و اغتشاش، باعث
ویرانی سردیمنها و نابودی و تباهی مردمان امیددی دلها و تارپکی و سیاهی روی زمین است!
جامعه علی بن ابیطالب، همچون یک جامعه نژادی نیز نیست که عرب را بشاطر نسب
و خون و خاک، بر غیر عرب ترجیح دهد، در واقع جامعه نژادی، از نظر امام علی؛ همان
جامعه قبیله‌ای ششگانه و غاصب، در چهارچوب وسیعتری است.

و چنانکه علی بن ابیطالب در جامعه خود، قرشی را بر تمیمی یا اسدی یا عیسی
ترجیح نمیداد، و مضر را بر تراز ربعی نمیترسد، همینطور هیچگونه تفریق برای
عرب در قبال رومی یا ایرانی یا خاطر نژاد و نسب قائل نمیشد و هر انسانی در نظر امام

علی انسان است و جز با علم و عمل هیچگونه برتری بین او بر ادش وجود ندارد و بدین ترتیب در جامعه امام، همیشه علم و عمل، دانش و کردار، دواصل اساسی برتری بین مردم خواهد بود بر آنکه: «کم از دشترین مردم، کم از دشترین و دورترین آنان از جمله عمل است» و برای آنکه از دشترین مردم، کسی است که: «دلم و زاده تر از پدرش و فرادیش برتر از امروزش باشد»

و از آنجا که هر يك از انگیزه های قبیله ای یا نسیب های آزادی، موجب جدائی و تفکیک جامعه میگردد، علی بن ابیطالب میخواند که جامعه بشکل «انسانی» تعزادی، درآید و در سایه نعمت دوستی و مهر، نیکو و خوش تعاون و همکاری برسربرد...

هدف نهائی از این «جامعه انسانی» همان «حفظ و نگهداری حقوق طبیعی انسان» است و امام علی در این زمینه سخن دارد که چنین است: «هرگز مزاوازیست که نامدار و ساجم، بر نامور و خوش مردم و ساجم و پیشرفتی مسلمانان نظر داشته باشد تا در قدرت اموال آنان بگوشد و بناید جاهل و نادان باشد و یا نادانی خود مردم را گمراه سازد و بناید مستگرباشد تا با ظلم و جور خود آنان را بیچاره و بیچارگان بنماید و بناید از تنبیر و تسول روزگار بترسد و گروهن را بر گروه دیگر ترجیح دهد و بناید در حکم و داوری، رشوه بگیرد تا حقوق مردم از بین نرود و سبک و داوری عادلانه نتواند تحقق یابد»

در این سخن، باید از آن سراسر توجه و ملاحظه کرد که هیچگونه نازی بنسب و توجیه و جانبداری ندارد زیرا این سخن، بخوبی تکلیف و تالیف ذمعه را بر آنکه در رأس حکومت قرار گرفته است، نشان میدهد و بدین کیفیت، وضوحی داشته که او در قبال جامعه، چگونه باید رفتار کند؛ چنانکه هدف نهائی این جامعه را بنیت آوردیم...



پس انسانی که در جامعه انسانی امام علی برسر میرد، موجودی است که حقوق او از جهت محفوظ و مبرور است؛ اموال او از آن خود او است و او در آن جامعه، در کمال آزادی و امنیت خواهد بود و بی هیچ وجه تحت فشار و تجاوز قرار نخواهد گرفت.

انسانی که در جامعه انسانی امام علی زندگی میکند، چنین دارد که حکومت و دولت وی بر او شور و آسودگی ندارد و بدینوسیله او را بیچاره نمی سازد و او را از جامعه جدا نمی کند... و همچنین اطمینان دارد که او باعث همبستگی، مساوی و برابری است، زیرا این تساوی را قانون برای او تضمین کرده و در بنای قانون، گروهی بیشتر از گروه دیگر بر سر نمیشود و انسانی بیشتر از انسان دیگر مورد حمایت قرار نخواهد گرفت و همچنین اطمینان دارد که همه حقوق وی

کوچک باشد یا بزرگ، کم باشد یا زیاد، هرگز با مسائل نخواهد شد و نصیب دیگری نخواهد گشت زیرا که دولت یک حکومت و دولت است، که از حقوق و تکلیفاتی که در آنجا بر انسانها با آزادی و زمین برود حق همه مردم در قبال آن است امام علی که میفرماید: «حقوق همه مردم مراعات شده است» یعنی شک باید مراعات شود این حقوق، در قانون اساسی امام علی؛ چنانکه در اعلامیه حقوق بشر هم آمده است عبارتند از: آزادی، مالکیت، امنیت و مقاومت در برابر ظلم و ستم.

حق مالکیت:

مادربود حق آزادی - در کتاب - بتفصیل سخن گفته ایم و اکنون در باره حق مالکیت باید بطور اجمال بگوئیم که: علی بن ابیطالب در زمینه حق مالکیت سخن سر می دارد که در آن: «این حق را بر سببیت شناسد و با بقاعی آنرا بحکمی بنماید» و هرگز به حال کسی دست نبرد، و البته مال، کتابها و ملک و چیزی است که در تملک کسی باشد، ولی بشکله در مکتب امام علی، مراد از آن، مال است که با کوشش و زحمات و از راه مشروع در اختیار کسی قرار گیرد. یعنی که از راه «احتکار و استعمار و باغی» تصرف و کوشش دیگران بخت می آید...

اگر کسی مال دیگری را ببرد، باید بداند که صاحب آن، در تلاش دست آوردن حق خود خواهد بود، و در قبال نسبت آن سبک نخواهد نشست و در همین زمینه است که امام علی می فرماید: «انسان بر هر که فرزند شکلی می شود، ولی بر ربه شده شدن جان و دارایی، آرام نمی گیرد»؛ و ربه بودن مال، همان غارت اموال و غصب کردن دارایی و حق دیگران است. ولی بن ابیطالب در حاشیه دیگر میفرماید: «از حق مردم چیزی کم نگذارید و هر کسی باید عود و سرزنی واقع شود که پیش از حق خود بگیرد و در سال، سال مردم است و همه اینها بجز احتیالات دارند که مردم، چیزهایی دارند که مالک آنها هستند و دولت اسلامی باید از این چیزها بگذارد این حقوق، نگهداری بنماید و نباید حق کسی را کمتر بدهد و ضایع گرداند..»

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
مجمع علوم انسانی

قابل توجه نمایندگان محترم مجله

چون شماره های ۲۵۱ - ۳۰ ساله مجله در دفتر مرکزی تمام شده لازم است هر کدام از نمایندگان محترم شهرستانها که از سه شماره نامبرده اضافه دارند هر چه زودتر برای دفتر مرکزی قم ارسال دارند، بعداً پذیرفته نخواهد شد.